

## Bright courts in the land of India

(A comment on some blessed monuments of Sadat and Alawites and their influential personality)

Mohammad Hosein Riahi <sup>1</sup>

### Abstract

The historical and vast land of India, which is also called the subcontinent due to its vast territory and diversity, in addition to the existence of the vast country of the Republic of India, currently includes other countries with a large population such as Pakistan, Bangladesh, and Sri Lanka (Ceylon). The arrival of Islam and the many changes that occurred due to the presence of Muslims since the first century of Hijri, especially in the western part of India, became the basis for the influence of Islam and the development of their presence. Meanwhile, the presence of influential figures from Muslims, especially Sadat and people belonging to the family of the Holy Prophet provided the ground for the establishment of religious culture and Islamic beliefs there. Although in the beginning, the military developments caused the authority and sovereignty of the Muslim Arabs in parts of the subcontinent, but without a doubt, the gentle and spiritual spirit of Islamic culture and teachings and the teachings of the Holy Quran were very important and influential in this regard, So that, gradually and in the following centuries, the role and position of Muhajirin from Sadat and those related to the Prophet's family was influential and desirable in this direction (progress of Islam). Many people of the sub-continent who dealt with Muslims came to the conclusion that despite the atrocities of Banu Umayyad and Banu Abbas, there are figures who are dependent and benefit from grooming, especially among Alawites and Sadat that this also provided the basis for the promotion of Islam and the attachment of parts of the subcontinent to the Muhammadan religion. Even in the Middle Ages, the role of the children of Ahl al-Bayt (peace be upon them), was extraordinary in the flourishing of Islamic culture. Some have continued their mission with freedom of action and some with restrictions. In this article, the role of characters from the descendants of Imams or Sadats, who were influential in various ways, and now their tombs or places of interest and special and general shrines are mentioned.

**Keywords:** India, Muhammad family, Monuments and shrine, Seyyed Nizamuddin Olya, Seyed Mir Mohammad Momen Estrabadi, Seyyed Noorullah Shushtari Marashi.

The first year|

Number ۲۵|

Fall ۲۰۲۳|

---

1.PhD in Islamic history

## المزارات النورانية في أرض الهند نظره على بعض الأماكن المباركة للسادات والعلويين وشخصياتهم المؤثرة)

محمد حسين رياحي

### الخلاصه

أرض الهند التاريخيه والواسعه و التي تسمى أيضاً بشبه القاره الهنديه نظراً لمساحه أراضيها الشاسعه وتنوعها فانها بالإضافة إلى وجود دوله جمهوريه الهند الشاسعه فيها فهي تضم حالياً أيضاً دولاً أخرى ذات كثافه سكانيه عاليه مثل باكستان، بنجلاديش، وسريلانكا (سيلان).

التطورات الكثيره التي حدثت بسبب وصول الإسلام الى الهند وتواجد المسلمين منذ القرن الأول الهجري، خاصه في الجزء الغربي من الهند اوجد ارضيه لنفوذ المسلمين وتطور وجودهم. وفي هذه الأثناء، كان وجود شخصيات إسلاميه مؤثره، وخاصه السادات وأشخاص ينتمون إلى آل النبي الكريم ﷺ، قد مهد الطريق لتأسيس الثقافه الدينيه والمعتقدات الإسلاميه هناك.

ورغم أن التطورات العسكريه في البدايه التي ادت الى سلطه وسياده العرب المسلمين في أجزاء من شبه القاره الهنديه، إلا أنه مما لا شك فيه أن الروح اللطيفه والمعنويه للثقافه والتعاليم الإسلاميه وتعاليم القرآن الكريم كانت مهمه ومؤثره للغاية. في هذا الصدد فان دور و مكانه المهاجرين من السادات و المنسوبين الى آل النبي ﷺ كان مؤثراً بشكل تدريجي في القرون التاليه لظهور الاسلام، و كان تطور الاسلام مؤثر ومطلوب.

كثير من سكان شبه القاره الهنديه الذين تعاملوا مع المسلمين توصلوا إلى أن هناك شخصيات اسلاميه جذابه، خاصه بين العلويين والسادات، وهو سبب أيضاً في الترويج و كسب الآخرين حيث اعتنقت أجزاء من شبه القاره الهنديه الاسلام و دانت بدين محمد ﷺ. على الرغم من فطائع الأمويين و العباسيين، و حتى في العصور الوسطى، كان دور أبناء أهل البيت ﷺ استثنائياً في ازدهار الثقافه الإسلاميه. و قد واصل البعض مهمتهم العمل بحريه والبعض الآخر كان مقيداً. في هذا المقال يذكر دور الشخصيات من أحفاد الأئمه ﷺ أو السادات الذين كان لهم تأثير بمختلف الطرق و تم التطرق الى ذكر قبورهم الحاليه أو أماكن اهتمام الناس بهم و اماكن زيارتهم الخاصه والعامه.

**الكلمات المفتاحيه:** الهند، آل محمد، الاماكن والمزارات، سيد نظام الدين اولياء، سيد مير محمد مؤمن استرآبادي، سيد نور الله شوشترى مرعشي.



فصل نامه  
علمي  
مطالعات  
بِقَاع و  
امّاكن  
متبركه

## بارگاه‌هایی نورانی در سرزمین هندوستان (نظری بر برخی بقاع متبرکه سادات و علویان و شخصیت تأثیرگذار آنان)

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۷

دکتر محمدحسین ریاحی<sup>۱</sup>

### چکیده

سرزمین تاریخی و پهناور هند که به واسطه وسعت قلمرو و تنوع، شبه‌قاره نیز نامیده می‌شود علاوه بر وجود کشور وسیع جمهوری هند در حال حاضر کشورهای دیگر و پرجمعیتی مانند پاکستان و بنگلادش و سریلانکا (سیلان) را نیز در بر می‌گیرد.

ورود اسلام و تحولات متعددی که به واسطه حضور مسلمانان از همان قرن اول هجری به‌ویژه در بخش غربی هند رخ داد زمینه‌های نفوذ اسلام و توسعه حضور آنان گردید. در این میان حضور شخصیت‌ها و یا چهره‌های متنفذ از مسلمانان به‌ویژه سادات و افرادی منسوب به خاندان پیامبر اکرم در آنجا زمینه استقرار فرهنگ دینی و اعتقادات اسلامی را فراهم آورد. گرچه در ابتدا تحولات نظامی باعث اقتدار و حاکمیت اعراب مسلمان در بخش‌هایی از شبه‌قاره بود اما بی‌تردید روح لطیف و معنوی فرهنگ و معارف اسلامی و آموزه‌های قرآن کریم در این راستا بسیار مهم و تأثیرگذار بود به‌طوری که رفته‌رفته و در سده‌های بعدی نقش و جایگاه مهاجرینی از سادات و منسوبین به خاندان پیامبر اکرم علیه السلام در پیشرفت اسلام تأثیرگذار و مطلوب بود.

بسیاری از مردم شبه‌قاره که با مسلمانان سروکار داشتند به این نتیجه رسیدند که علی‌رغم مظالم بنی‌امیه و بنی‌عباس، چهره‌هایی وابسته و بهره‌مند از آراستگی به‌ویژه در بین علویان و سادات وجود دارد که همین نیز زمینه ترویج اسلام و دلبستگی مناطقی از شبه‌قاره را نسبت به آئین محمدی فراهم نمود.

نقش فرزندان اهل‌بیت علیهم السلام حتی در قرون میانه نیز در شکوفایی فرهنگ اسلامی فوق‌العاده بود. برخی با آزادی عمل و تعدادی نیز با وجود محدودیت‌ها به رسالت خود ادامه داده‌اند. در این مقاله به نقش شخصیت‌هایی از نوادگان ائمه علیهم السلام و یا سادات که از جهات مختلف تأثیرگذار بوده و اکنون نیز آرامگاه یا بقاع آنان مورد توجه و زیارتگاه خاص و عام است اشاره می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** هند، آل محمد، بقاع و زیارتگاه، سید نظام‌الدین اولیاء، سید میرمحمد مؤمن استرآبادی، سید نورالله شوشتری مرعشی

۱. دکتری تاریخ اسلام و مدرس دانشگاه

## مقدمه

درباره ورود شخصیت‌هایی از علویان و خاندان امام علی علیه السلام به همراه بسیاری از مسلمانان به شبه‌قاره مطالبی متعدد نقل شده، اگرچه زمان دقیقی از آن نمی‌توان به دست داد اما آنچه مسلم است از همان سده اول هجری این موضوع به‌ویژه در مناطقی مانند منطقه سند رخ داده است.

شیعیان و گروه‌هایی از سادات و علویان به تدریج و پیوسته به شبه‌قاره آمدند. ورود این گروه‌ها معمولاً برنامه‌ریزی چندانی نداشته و آنان یکی‌یکی و دسته‌دسته راهی هند شده و به شبه‌قاره راه یافتند و از طریق زمین و دریا با انگیزه‌های مختلف به هند آمدند. علویان نخستین پناهندگانی بودند که بر اثر آزار و تعقیب‌های مکرر حکومت‌های اموی و عباسی در جست‌وجوی مأمنی برآمدند. این جویندگان آزادی مذهبی، برای نفوذ در این بلاد راه‌های مسالمت‌آمیز را ترجیح دادند و با توسل به تقیه، خود را از خطرات احتمالی حفظ می‌کردند. اثناعشریه و گروه‌هایی از افراد منسوب به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که به هند آمده بودند، برخی در ادوار مختلف به مقامات عالی دست یافتند و از منزلت خاصی در اجتماع و بین سران و بزرگان برخوردار بودند. هالیستر معتقد است این موضوع معلوم می‌نماید که در کل شمار این مهاجرین بسیار زیاد بوده است و به همین نسبت سهم بسزایی در بهبود زندگی مردمان این سرزمین داشت‌هاند. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۱۳-۱۱۲؛ یاری و خدادادی، ۱۴۰۱: ۳۰؛ ریاحی، ۱۴۰۰: ۶۶-۶۷).

با انقراض بنی‌امیه و روی کار آمدن عباسیان به‌ویژه در عصر خلافت منصور، علویان و گروه‌های پیرو مذهب تشیع تحركات زیادی برای نفوذ در سند داشتند. دوری سند که در انتهای نقطه شرقی خلافت قرار داشت، خوارج، علویان و بعدها اسماعیلیان را که تحت تعقیب قرار می‌گرفتند و ادار می‌ساخت که برای خود در این منطقه پناهگاهی جست‌وجو کنند. از طرف دیگر، اختلاف میان قبیله‌های مختلف عرب و مسلمان سند زمینه نفوذ دسته‌های مختلف خلفای اموی و عباسی را فراهم می‌ساخت. از همان سده نخست هجری ورود شیعه به سرزمین پهناور هند مورد توجه قرار گرفت. به‌طوری که مؤلف «طبقات ناصری» یعنی «منهاج سراج» جدّ خاندان غوری به نام «شنسب» را کسی می‌داند که توسط امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام به اسلام گرائید و در راه عشق و اعتقاد به اهل بیت و مولی‌الموحدين علی بن ابی‌طالب علیه السلام ثابت قدم بود. (یاری و خدادادی، ۱۴۰۱: ۳۱؛ یاری، ۱۳۸۸: ۱۱۱؛ سراج، ۱۳۴۲: ۳۱۹-۳۲۰).

در طی قرون متمادی و با گذشت زمان و استقرار سلسله‌های مسلمان در مناطق مختلف هند زمینه‌های رشد و تبلیغ اسلام، تشیع و تصوف در شبه‌قاره فراهم شد. در این راستا بسیاری از علویان و فرزندان اهل بیت علیهم السلام در این مسئله نقشی بارز داشته‌اند.

امروزه در سرزمین پهناور هند و یا کشورهایمانند پاکستان وجود مراکزی معنوی که زیارتگاه مردم و فضایی برای حضور افشار مختلف جامعه است دارای جایگاه فوق‌العاده می‌باشد. به جهت معرفی برخی از باقاع متبرکه و زیارتگاه‌ها از منسوبین و فرزندان خاندان رسول مکرّم اسلام به سه شخصیت که امروزه مقابر و مزارات آنان مورد توجه است اشاره خواهد شد. شخصیت‌هایی مانند سید نظام‌الدین اولیاء، میرمحمد مؤمن استرآبادی و قاضی سید نورالله شوشتری.

در این مقاله نویسنده علاوه بر معرفی اشخاص مذکور و فضاهای زیارتی آن، به جایگاه علمی، معنوی و تأثیرگذاری آنان در شبه‌قاره هند اشاره خواهد نمود.

## ۱. ورود و استقرار گروه‌هایی از سادات و آل علی در مناطقی از شبه‌قاره هند

با بررسی منابع و اسناد تاریخی مانند فتوح البلدان بلاذری این موضوع به دست می‌آید که مبدأ تاریخ ورود تشیع به هند به‌ویژه منطقه سند به دوران یا ایام خلافت امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام برمی‌گردد، چرا که در زمان زمامداری آن امام همام، حضرت، حارث بن مره عبدی را مأمور فتح مناطقی مانند قیقان و بعضی سرزمین‌های دیگر در سند نمودند. با توجه به نوشته منهاج‌الدین سراج جوزجانی، شنسب که در موقع فتوحات مسلمین به‌عنوان فرمانروا و حاکم آن منطقه شناخته می‌شد اسلام آورد. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۶۰۳؛ ریاحی، ۱۴۰۰: ۷۰).

تصرف مکران نیز در سال بیست و نهم هجری روی داد با فرماندهی حکم بن جبلة عبدی انجام شد. وی نیز که از هواداران امام علی (بود عده‌ای بسیار از لشکریانش را زُطهای منطقه سند تشکیل می‌دادند. بخشی از جمعیت زُطهای ایالت سند عمیقاً به امام علی علیه السلام عشق می‌ورزیدند. یکی دیگر از هواداران حضرت، سیفی بن فصیل شیبانی بود که در لشکرکش سال‌های سی و نه تا چهل و دو هجری قمری به سند، به‌ویژه منطقه قندابیل شرکت نمود. او از جمله چند نفری (۷ نفر) بود که در سال پنجاه هجری قمری بعد از قیام حجر بن عدی به شهادت رسید. یکی دیگر از هواداران امام علی بن ابی‌طالب در هند، عطیه (عتیه) بن سعد بن جناده عوفی بود که به جهت تمرد از دستور حجاج بن یوسف ثقفی در مورد سب امام علی علیه السلام دستور او را نپذیرفت و توسط محمد بن قاسم که در آن زمان حاکم بخشی از هند (سند) بود مورد مؤاخذه و تنبیه قرار گرفت. (یاری و خدادادی، ۱۴۰۱: ۳۲). همان‌طور که ذکر شد از نخستین بخش‌های سرزمین پهناور هند که به تصرف مسلمانان درآمد منطقه سند بود و مردمان سند از ابتدا علاقه‌مندی خاص خود را نسبت به خاندان اهل‌بیت علیهم السلام نشان دادند. گروهی از سندی‌ها به‌عنوان خدمتکار در محضر ائمه معصوم علیهم السلام خدمت می‌کردند. یکی از همسران امام سجاد علیه السلام حوریه سندیه نام داشت که مادر زید شهید بوده است. (رضوی، ۱۳۷۶: ۲۳۱)

محبان خاندان رسالت در ایالت سند رابطه خود را با ائمه اطهار علیهم السلام و بسیاری از بزرگان شیعه در مدینه و عراق چه در عهد فرمانروایی بنی‌امیه و یا عباسیان حفظ کردند. مؤلف کتاب «شیعه در هند» به نقل از «بناکتی» روایتی از علاقه مردم سند را از همان آغاز به آل علی علیهم السلام آورده است؛ به‌طوری که یکی از نوه‌های عمر بن علی بن ابی‌طالب (عمر بن علی برادر امی و صلیبی محمد حنفیه) را که نام جعفر و ملقب به «المؤید من السماء» بود به حکومت مولتان در ناحیه سند پذیرفتند. (رضوی، ۱۳۷۶: ۲۳۱) مؤلف کتاب «شیعه در هند» در مورد اشتیاق فوق‌العاده سندیان به فرزند امام سجاد علیه السلام آورده است: در زمانی که زید و فرزندش یحیی (به سال ۱۲۱ ق) در عهد بنی‌امیه نهضت و قیام خود را شروع کردند، تعداد بسیاری از سندی‌ها (از جمله زیاد هندوی) به همراهی زید بن زین‌العابدین جنگیدند و در این مسیر به شهادت رسیدند. (رضوی، ۱۳۷۶: ۲۳۱) در کاوش‌ها یا حفاری‌هایی که در مجموعه برهمن آباد (منصوره و محفوظه) انجام شده است، مهری به دست آمده که بر آن نام «امام محمدباقر علیه السلام» حک شده است. اگرچه مَهر مذکور تاریخ ندارد اما مشخص می‌کند که در این منطقه امام پنجم شیعیان یعنی امام محمدباقر علیه السلام علاقه‌مندان و محبانی داشته است. (یاری، ۱۳۸۸: ۱۱۲).



پیدا نمودن و یا یافتن نخستین سید مهاجر و علت مهاجرتش به شبه‌قاره هند، غیرممکن است، اما آنچه مسلم است، علویان و سادات بر اثر منازعات سیاسی با دستگاه حاکمیت و خلافت و یا به جهت تبلیغ و نیز به قصد مسائل اقتصادی و تجاری راهی هند شدند. آنان پس از ورود به هند و مستقر گردیدن در مناطقی از آن، علاوه بر فعالیت‌های سیاسی - اقتصادی به تبلیغ دین و نشر معارف اسلامی و رواج فرهنگ و زبان خود در شبه‌قاره هند مشغول شدند. هرچند بسیاری نیز با هدف گسترش دین اسلام به هندوستان وارد شدند. آنان نقش مهمی را در نفوذ اسلام، گسترش تشیع و رونق زبان فارسی و فرهنگ ایرانی - اسلامی در شبه‌قاره ایفا کردند. (یاری، ۱۳۸۸: ۶۶).

در جنوب هند تعدادی از مسلمانان، اسلام آوردن خود را به بزرگانی نسبت می‌دهند که بعدها آرامگاه یا مزارشان نیز برای مردم آن منطقه مورد توجه و احترام بوده است. یکی از این شخصیت‌ها یا بزرگان به نام «سید نته‌رشاه» می‌باشد، زمان حیات وی بین سال‌های ۳۵۹ تا ۴۳۱ هجری قمری بوده است. وی پس از سیاحت در عربستان، ایران و شمال هند در «تریچینوپلی» سکونت گزید و سال‌ها به عبادت و امور خیریه مشغول بود. گروه زیادی از هندوهارا مسلمان کرد. امروزه مسلمانان این شهر را به نام رهبرشان «ننه‌رنگار» می‌نامند. (آرنولد، ۱۳۵۷: ۵۷۰-۵۷۲). گروهی که به نام سومراها مشهور بودند و مدت زیادی در ایالت پهنارو سند اشتغال به فرمانروایی داشتند خود را از نسل اعراب ساکن سامره دانسته‌اند که خلیفه عباسی این گروه عرب را با یکی از سادات به نام سید علی که از نسل امام موسی بن جعفر علیه السلام و به سید علی موسوی مشهور بود راهی سند نمود. این گروه به تبعیت سید درآمده و به اتفاق او در سند سکونت داشت‌هاند. (ریاحی، ۱۴۰۰: ۹۹-۱۰۰؛ ابن بطوطه، ۱۳۳۸: ۴۵۵؛ قانع تقوی، ۱۹۷۱: ۶۸؛ یاری و خدادادی، ۱۴۰۱: ۶۶). همواره گروه‌هایی از مردم بخشی از هند از جمله سند به دیدار امامان شیعه شتافته‌اند از جمله این که عده‌ای نیز به قصد زیارت ائمه از سند به مدینه می‌آمدند. در دوره خلافت مأمون، عده‌ای قابل توجه از این بخش هند به حضرت رضا علیه السلام تعلق خاطر پیدا نموده و از جمله محبان آن حضرت بودند. از جمله یکی از دانشمندان نصرانی (سند) به محضر امام رضا علیه السلام رسید و در مجلس مباحثه با جاثلیق اسلام آورد و نیز شخص دیگری به نام ابو اسماعیل سندی به حضور آن حضرت شرفیاب گردید. (یاری و خدادادی، ۱۴۰۱: ۳۳؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۸۴).

پادشاه یا حاکم منطقه سند هندوستان نیز ابتدا هیأتی را به زیارت امام کاظم علیه السلام فرستاد و سپس خود نیز به محضر آن حضرت شرفیاب شده و اسلام آورد. شاگردان و افراد نیز از امامان شیعه کسب علم کردند که از منطقه سند بودند که از جمله عبارت‌اند از: فرج سندی، ابراهیم سندی، صباح بن نصر سندی، خلاد سندی، ابومعشر سندی. آنان در حلقه شاگردان علمی امام ششم حضرت جعفر بن محمد صادق علیه السلام یا دیگر ائمه قرار داشتند و بعضی آن‌ها هم به مراتب عالی فقه، حدیث، کلام و برخی علوم دیگر دست یافتند. (یاری و خدادادی، ۱۴۰۱: ۳۳؛ مجلسی، ۱۹۸۳: ۷۵-۵۰).

در دوران خلافت اموی مردم بخش‌هایی از هندوستان (مولتان و سند) به ملاقات امامان شیعه می‌رفتند و با دستورات و روش و مسلک آنان آشنا می‌شدند. در ابتدای حاکمیت خلافت عباسی، با بازداشت و حبس ائمه ارتباط رهبران شیعه شبه‌قاره هند با ایشان قطع شد و گروهی

از شیعیان سند و مولتان به دست عوامل عباسیان شدیداً مورد آزار و تعداد زیادی قتل‌عام شدند. (یاری و خدادادی، ۱۴۰۱: ۳۳).

## ۲. سید نظام‌الدین اولیاء نقوی (سلطان المشایخ)

از جمله بارگاه‌ها و زیارتگاه‌های معروف هند مقبره یا مزار جناب محمد بن احمد بن علی دهلوی معروف به سید نظام‌الدین اولیاء (شیخ نظام‌الدین) است. نسب او را به امام علی نقی یعنی امام‌هادی علیه السلام می‌رسانند. تولد او را سال ۶۳۸ قمری مطابق با سال ۱۲۳۸ میلادی و وفات وی را سال ۷۲۵ قمری برابر با سال ۱۳۲۵ میلادی ذکر نموده‌اند.

سید نظام‌الدین را از عرفای بزرگ نیمه دوم قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم دانسته‌اند. بنا به پاره‌ای از نوشته‌ها وی مدتی و در ابتدا در ملازمت شیخ فریدالدین عطار نیشابوری بوده است. نظام‌الدین از مشایخ بزرگ طریقت چشتیه به حساب آمده است و دوران اوج و شکوفایی این طریقه مقارن حیات سید نظام‌الدین بوده است. به طوری که مریدان، علاقه‌مندان و درواقع محبانش او را «سلطان الاولیاء» یا «سلطان المشایخ» نیز عنوان داده‌اند. همچنین وی را «محبوب الله» هم نامیده‌اند. در برخی تذکره‌ها همچنین «شاه نظام اولیاء»، «نظام دهلوی» و «نظام‌الدین خالد دهلوی» و «نرگسی» شهرت یافته است. (دهخدا: ۱۳۷۳: ۱۹۹۵۲).

اجدادش از مردم بخارا (سادات بخارا) بودند که به سرزمین هندوستان مهاجرت نمودند و در قصب بدایون ساکن شدند. نظام‌الدین که در قرآن، فقه و حدیث دارای تبحر و دستی قوی داشت بیشتر عمر خود را در دهلوی صرف ترویج دانش و تعلیم به جامعه به‌ویژه چشتیه نمود و مریدانش مراکز معنوی و عرفانی بسیاری را در هند بنیان نهادند. سید نظام‌الدین اولیاء همچون بسیاری از مشایخ و سادات از کسب مال و مکنت و نیز ملازمت حکام عصر کناره می‌گرفت. وی مریدان را نیز از پیوستن به جرگه درباریان سخت منع می‌کرد و گویا از همین روی از دادن خلافت نامه به دو تن از یاران نزدیک خود، امیر خسرو دهلوی و حسن سجزی دهلوی که به دربار سلاطین آمد و شد داشتند امتناع ورزید. در واقع رسم و راه نظام‌الدین اولیاء که با همدلی و نیکخواهی وی در حق عامه و دستگیری از فقرا نیز درآمیخته بود، سبب حسن قبول وی در میان عامه مردمان هند شد. همان‌طور که ذکر شد مرقد جناب سید نظام‌الدین اولیاء دهلوی همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز زیارتی و معنوی هندوستان به حساب آمده است. درحوالی و مسیرهای اطراف این محله قدیمی که از محلات تاریخی شهر دهلوی می‌باشد. محیط معنوی و تقدس خاص آن به چشم می‌آید و نه‌تنها مسلمانان اعم از شیعه و سنی بلکه پیروان سایر ادیان و مذاهب نیز اعتقاد خاصی به این درگاه دارند. کوچه‌ها و بازارچه‌های اطراف مانند فضاهای زیارتی مسلمانان دیگر کشورها است و حال و هوایی خاص دارد. نگارنده این سطور در توصیف این زیارتگاه در مقاله‌ای که متعلق به سال‌های اخیر می‌باشد، چنین نگاشته است:

در نزدیکی مقبره همایون (پادشاه بزرگ هند و فرزند بابر)، بقعه و درگاه عارف بزرگ هند، خواجه سید نظام‌الدین اولیاء در محلی شلوغ و تراکم میزبان جمعی کثیر از زائران مسلمان و غیرمسلمان است. نظام‌الدین اولیاء از مشایخ بزرگ چشتیه است که در شهر بدایون در ایالت



اوتارپرداش متولد شد و جزو شاگردان عارفان بزرگی همچون فریدالدین گنج شکر معروف به «بابا فرید» و خواجه بختیار کاکلی بوده است. وی همچنین شاگردان زیادی را در حوزه معارف دینی و ادبی تربیت کرده است که از جمله آنان امیر خسرو دهلوی شاعر و دانشمند بزرگ و معروف بوده است. اطراف مزار نظام‌الدین نیز قبور تعدادی از شعرا و ادبا همچون غالب دهلوی و انجمن ادبی وی واقع شده است.

بازار اطراف بقعه حال و هوای خاصی دارد، لباس‌های زائران نشان‌دهنده انواع سنت‌ها و فرهنگ‌هاست که بسیاری از آن سرچشمه در فرهنگ و سنت‌های شرق اسلامی و ایران دارد. زیر گنبد مسجد (درگاه) نماز خواندم و از بس شلوغ بود به‌ویژه در محوطه با تأمل وارد حیاط شدم، تعدادی زیادی از زائران منتظر پذیرایی بودند. قوالی نیز در آنجا مرسوم است. حجره‌های متعددی از خاندان موسوم به نظامی وجود دارد که باید از اولاد نظام‌الدین اولیاء باشند. گویا برخی از اعقاب وی نیز هنوز در اداره این بقعه و مضافات آن دست دارند.

### ۳. سید میرمحمد مؤمن استرآبادی

از دیگر سادات و کسانی که از امام معصوم علیه السلام نسب می‌برد و منشأ تحولات والایی در شبه‌قاره هند به‌ویژه منطقه دکن بوده است. جناب میرمحمد مؤمن استرآبادی است که امروزه نیز مزار او مورد توجه و زیارت عام و خاص و بسیاری از مردم شبه‌قاره هند به‌ویژه منطقه دکن می‌باشد. مناسبت دارد قبل از توصیف دایره یا مزار میر مؤمن و بارگاه او، به نقش تأثیرگذار و مهم او در ترویج فرهنگ و آداب اسلامی و ایرانی، تشیع و معنویت اشاره گردد.

میرمحمد مؤمن استرآبادی متولد به سال ۹۶۰ ق، از سادات بلندمرتبه سرزمین استرآباد بوده است. پدرش سید علی اشرف‌الدین و دایی او سید میر فخرالدین سماکی از علمای برجسته و از شاگردان امیر غیاث‌الدین منصور شیرازی بود. او در دربار شاه طهماسب صفوی سمت وزارت داشته و به‌طوری که نقل شده، همه‌روزه جمع بسیاری از طلاب علوم دینی (معقول و منقول) در مدرس او حاضر می‌شدند و از درس او بهره می‌بردند. (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵: ۳۰۰).

میرمحمد مؤمن نیز در اوان تحصیل از محضر سید فخرالدین دانش‌هایی آموخت و بعضی دانش‌های نقلی مانند حدیث را نزد سید علی بن ابی‌الحسن حسینی ابراهیمی مشهور به سید نورالدین به کمال رسانید و پس از آن روانه دربار شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق) شد. شاه طهماسب اول، میرمحمد مؤمن را که پدران و اجدادش نیز نزد سلاطین عزیز و گرامی بودند را به تعلیم یکی از فرزندان (شاهزاده حیدر میرزا) منصوب کرد. اعتبار و منزلت او در دربار صفویان بیانگر شرافت نسب، محاسن اخلاقی و جایگاه علمی او است. پس از مرگ شاهزاده حیدر میرزا و ایام سخت سلطان محمد خدابنده صفوی و به‌ویژه حکومت شاه اسماعیل دوم، سید محمد مؤمن سکونت در ایران را دشوار یافت و بعد از توفقی در حریم شریفین (مکه و مدینه) به سال ۹۸۶ ق به شبه‌قاره هند وارد گردید. عزیمت او به دکن سال ۹۸۹ ق بوده است. دلیل دیگر برای مهاجرت او، آن است که تبحر علمی و دانش بی‌مانندش باعث گردید تا حاسدان او را متهم سازند و در صدد اخراج او برآیند.

مورخین و صاحب‌نظرانی که در باره شخصیت میر سید محمد مؤمن استرآبادی مطالبی را نگاشته‌اند وی را نقطه عطف شکوفایی تشیع در دکن و نقاطی مانند گلکنده می‌دانند. او با حضور خود در دربار محمدقلی قطب شاه (۹۸۹ - ۱۰۲۰ ق) و سپس سلطان محمد قطب شاه (۱۰۲۰ - ۱۰۳۵ ق)، درحالی‌که مورداعتماد هر دو بود و در سمت پیشوایی به خدمت می‌پرداخت، به دلیل برخورداری از دانش و شایستگی فردی، برای تغییر زیرساخت‌ها و تدوین نظام مناسب شیعی اقدام کرد. (منشی، ۱۳۴۴: ۱۴۶؛ هندو شاه استرآبادی، ۱۳۸۸: ۱۷۳؛ رازی، ۱۳۸۷: ۱۲۶۲).

نظرات و افکار میرمحمد مؤمن، پادشاه قطب شاهی یعنی سلطان محمد قلی را به‌جای درگیری‌ها و نزاحات نظامی به سمت‌وسوی امور علمی و فرهنگی سوق داد و این پادشاه را در استحکام‌بخشی روابط خود با ایران یاری نمود. دامنه این ارتباط به‌اندازه‌ای بود که حیدرآباد به «اصفهان نو» معروف شد، به‌گونه‌ای که جناب میرمحمد مؤمن خودش نیز در سروده‌ای به این نکته پرداخته است:

گر صفاهان نو شد از شاه جهان عباس حیدرآباد از تو شد شاهها صفای تو (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵: ۳۰)

از جمله تأثیرات مفید و مؤثر میرمحمد مؤمن جلب حمایت محمدقلی قطب شاه دکنی در حمایت و پشتیبانی از تشیع و شیعیان بود.

در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، مرحوم مطهری میرمحمد مؤمن را از علمای متبحر در معقول و منقول معرفی نموده و او را اعلی‌ترین علمای عصر خود می‌داند. (مطهری، ۱۳۸۶: ۳۳۹) اقدامات مؤثر و سازنده میرمحمد مؤمن استرآبادی در جنوب هند چه از حیث عمرانی، علمی و فرهنگی و نیز در توسعه و ترقی فرهنگ اسلامی - ایرانی بسیار مؤثر بود.

یکی از آن‌ها نقش بسزای میرمحمد در طراحی شهر حیدرآباد بود که قرار بود بر اساس طرح مشهد مقدس بنا شود. احداث چهار منار به‌جای حریم رضوی که در شهر مقدس مشهد مرکز شهر بوده، ساختار این شهر را مشابه مشهد ساخته است و البته قصد محمدقلی (سلطان آن زمان) نیز همین بوده است. (علوی، ۱۳۹۶: ۱۲۱)

از دیگر اقدامات، ساخت دارالشفاء که علاوه بر بیمارستان مرکزی نیز برای تعلیم و آموزش طب نیز بوده است. احداث دایره (گورستان شیعیان) که میرمحمد مؤمن با مخلوط‌کردن خاک آن با خاک کربلا به آن تقدس بخشید و ساخت «داد محل» که همان دادگستری امروزی است، همه بر پایه دیدگاه میرمحمد مؤمن بوده است. عاشورخانه (عاشوراخانه) و مسجد جامع نیز پیش از این‌ها ساخته شده بود. طراحی شهر حیدرآباد به‌گونه‌ای است که امروزه آن را شاهکار معماری قطب شاهیان می‌شمرند و عنصر زیبایی را در آن چشمگیر می‌دانند. (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵: ۳۰۳-۳۰۴) میرمحمد مؤمن استرآبادی برای گسترش و تبلیغ و ترویج اسلام و شیعه اثنی‌عشری گام‌های فراوانی برداشت و این حرکت با شیوه‌های مختلف از جمله ایجاد آسایش برای جامعه بود. وی روستاهای بسیاری احداث کرد، این روستاها علاوه بر دارابودن امکاناتی مانند آب‌انبار، کاروان‌سرا و مزارع و باغ‌ها، دارای مساجد و نیز مراکزی جهت شعائر حسینی علیه السلام که به‌ویژه در جنوب هند (دکن) عاشورخانه یا عاشوراخانه نامیده می‌شود بود. و با این شیوه روستائیان هندو با مذهب و زندگی



شیعی آشنا می‌شدند. میرمحمد مؤمن با برپایی علم و برگزاری آئین‌های شیعی در این روستاها، زمینه گرایش آن‌ها را به تشیع فراهم می‌آورد، برای نمونه میر در سال ۱۰۱۴ ق روستای سیدآباد و در سال ۱۰۱۹ ق روستای «میرپس» را بنا کرد و در هر دو روستا مساجدی نیز ساخت. مسجد سیدآباد ساختمان بزرگی دارد که دارای پنجاه و شش اتاق است که احتمالاً به‌عنوان کاروان‌سرای مسافران استفاده می‌شده و یا به‌عنوان مدرسه کودکان. (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵: ۳۰۳-۳۰۴)

روش‌های دیگر میرمحمد مؤمن نیز در توسعه فرهنگ تشیع در دکن قابل توجه بود از جمله آن‌ها برگزاری شعائر حسینی<sup>ع</sup> در ماه محرم بود. مراسمی به نام علم حسینی برای نخستین بار به سال ۱۰۰۱ ق در عصر سلطنت محمدقلی قطب شاه در عاشورخانه گلکنده برپا شد و از آن‌پس همه ساله برافراشته می‌شد. همچنین آئین‌هایی دیگر و در راستای شعائر اسلامی و فرهنگ علوی اجرا می‌گردید مانند عید مبعث، ولادت امام علی<sup>ع</sup> در سیزده رجب و عید غدیر. برگزاری این گونه جلسات چنان جاذبه‌ای داشت که حتی مردم غیرمسلمان نیز در این آئین‌ها چه جشن‌ها یا مولودی‌ها و یا سوگواری‌ها مشارکت نموده تا آنجا که به آن اعتقاد و خلوص پیدا می‌کردند. (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵: ۳۰۵)

میرمحمد مؤمن در دوره سلطنت محمد قطب شاه، علاوه بر قیادت و سمت پیشوایی، به امور فرهنگی، علمی و اعتقادی می‌پرداخت. بنا به قرائن، در آن زمان گرایش علمی و تحولات فرهنگی برجسته‌ای در حیدرآباد پدید آمد. میرمحمد مؤمن علاوه بر امور مملکتی به بحث و درس و تعلیم و تألیف نیز اشتغال داشت. به زبان‌های فارسی و اردو اشعاری را سروده و کتاب‌هایی به یادگار از او برجاست. به جمع‌آوری آثار بزرگان دین اهتمام داشت. از جمله کتابی که به خط امام ثامن علی بن موسی‌الرضا<sup>ع</sup> بوده است. (قادری، ۱۳۸۷: ۱۹۸-۱۹۹).

آثار نوشتاری یا تألیفاتی از او برجای مانده است از جمله کتاب «عروض محمد مؤمن» را که به سال ۱۰۰۷ ق در زمینه علم عروض و قافیه نگاشته است. این کتاب به محمدقلی تقدیم کرد. همچنین رساله مقدادیه که آن را به درخواست محمد قطب شاه به‌منظور تطبیق معیارهای وزن و قافیه نگاشته است. تألیفی در زمینه علم حدیث به نام رجعت دارد. برخی از دیگر تألیفات او عبارتند از: اشعار که مشتمل بر غزلیات، رباعیات، مراثی و قصاید اوست و آن را به فرمان سلطان محمدقلی تألیف و تنظیم نموده است. (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵: ۳۰۹-۳۱۰؛ قادری، ۱۳۸۷: ۲۰۲)

امروزه مزار یا فضای مقبره جناب میر جزو زیارتگاه‌های مهم هندوستان و از جمله دکن و حیدرآباد می‌باشد. فضایی که پایه‌ریزی آن بر اساس منویات نورانی و معنوی جناب استرآبادی شکل گرفت.

او به جهت ایجاد مزاراتی مبتنی بر شعائر اسلامی و آموزه‌های تشیع در زمان حیات خود اقدام به احداث گورستانی نمود، (منشی، ۱۳۴۴: ۴۶؛ رضوی، ۱۳۷۶: ۵۰۰) در این باره آمده است. مرحوم آقا احمد بهبهانی در اثر نفیس خود یعنی «مرات الاحوال جهان‌نما» درباره بنای دایره (گورستان شیعیان) و جایی که بعدها نیز مدفن خود سید در آنجا واقع شد آورده است:

«او خاک پاک بسیار از کربلای معلّی بر جهازات حمل کرده، به حیدرآباد برده است و قطعه زمینی را به قدر دو هزار قدم در دو هزار قدم تقریباً خریده، صفحه بالای آن را برداشته، از آن خاک

مفروش کرده و بر او احاطه از آجر و سنگ ساخته و غسل‌خانه منق‌هی نیز در او بنا کرده است و کنیزان و غلامان بسیار خریده، احکام اموات را به ایشان تعلیم کرده، به جهت متوجه‌شدن به اموات مؤمنین وقف کرده و از برای اخراجات ایشان املاکی بسیار نیز معین بوده است. به جز شیعه اثنا عشری در آن، از طوایف دیگر مدفون نمی‌شوند» (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۳۷).

در باب موقعیت این مزارات تاریخی و اهمیت آن نیز آمده است: اگر از لحاظ تاریخی، نگرسته شود، پی خواهیم برد که انتخاب جناب میر چقدر به جا و جالب بود. ایشان این مکان را به‌خاطر چند خصوصیت انتخاب نموده بود از جمله:

اولین دلیل آن این بود که از قبل، مزار دو نفر از بزرگان، یعنی حضرت شاه‌چراغ گویا به جز حضرت علی بن موسی علیه السلام در شیراز، مزارات دیگری از سادات نیز به نام شاه‌چراغ موسوم است و حضرت نورالهدی زیارتگاه خاص و عام بوده است. (قادری، ۱۳۸۷: ۲۹۹).

مناسبت دارد در اینجا به ذکرى درباره این دو شخصیت به‌صورت اختصار ذکر شود: آنچه صاحب «گلزار آصفی» و «محبوب الزمن» در مورد نصب شاه‌چراغ، آورده‌اند به‌طور خلاصه ذکر می‌گردد: ایشان {شاه‌چراغ} از نجف به دکن وارد شد و با کمی فاصله از قلعه گلکنده در مکانی که هم اکنون مقبره ایشان می‌باشد سکونت گزید. در آن زمان شهر حیدرآباد اصلاً وجود نداشت. بلکه روستای کوچکی به نام «چچلم» در آنجا واقع بود. این روستا در بین درختان و جنگلی ویران قرار داشت که فقط چند برهمن (روحانیون هندو) در آن سکونت داشتند.

شاه‌چراغ در کنار این روستا بر سر گذرگاهی که به سیکاکول، راجمندی و بندرهای دیگر می‌رفت ساکن شد. تا آن زمان مسلمانان به آن سامان نرفته بودند. برهمن‌ها با دیدن زندگی و آداب درویش منشانه شاه‌چراغ، متعرض ایشان نشدند بلکه با گذشت زمان به ایشان گرویدند. در نهایت مسلمانانی که به نلکنده و دیور کنده رفت و آمد می‌کردند کم‌کم تصمیم گرفتند برای یک یا دو شب در آنجا منزل کنند و با گذشت مدت کمی مسلمانان متعددی در کنار شاه‌چراغ جمع شدند. (قادری، ۱۳۸۷: ۳۰۴-۳۰۵).

وی قبل از فوت خود به یکی از پیروانش گفته بود که پس از آن که من از دنیا رفتم، در تجهیز و تکفین من شتاب نکنید، زیرا حضرت علی علیه السلام یکی از تجار را برای این کار متعین فرموده‌اند. او با تمام وسائل مورد نیاز آمده و مرا تجهیز و تکفین می‌کند. شما هم در این کار به او کمک کنید و سلام مرا به وی برسانید. مردم پس از فوت او صبر کردند تا این که فردی سوار بر شتر آمد و تمام وسائل را نیز با خود داشت و پس از تجهیز و تکفین، صبح روز دوم از آنجا رفت. وقتی مردم درباره او از وی سؤال کردند همان جوابی را دریافت کردند که قبلاً جناب شاه‌چراغ داده بود. (قادری، ۱۳۸۷: ۳۰۴-۳۰۵).

پس از ایجاد بنا و ساخته‌شدن مزار، این مکان به زیارتگاهی برای مسلمانان تبدیل شده و جمعیت معتقدان ایشان افزوده شد.

اما دیگر شخصیت از بزرگان سادات و مدفون در آنجا، مقبره جناب شاه نورالهدی است. دکتر سید محی‌الدین قادری در این باره و به نقل از آثاری مانند کتاب‌های «گلزار آصفی» و «محبوب الزمن» آورده است: پس از مدتی که شهر حیدرآباد نیز ساخته شده بود، جناب شاه نورالهدی به



همراه چند تن از سادات دیگر و برادرش به آنجا رفته و در جایی ساکن شدند که هم اکنون مزار ایشان در آن قرار دارد. با آمدن آن‌ها این مکان بسیار آباد شد. ایشان (شاه نورالهدی) را دارای کراماتی دانسته‌اند از جمله این که: ایشان قبل از فوت وصیت کرده بود که مرا غسل داده و کفن کرده، منتظر بمانید تا وقتی که شخصی سوار بر اسب با نیزه‌ای در دست به سرعت خواهد آمد و مرا دفن خواهد کرد، ولی کسی از او چیزی نپرسد. چنین هم شد، یک نفر آمد و با کشیدن دست روی زمین، قبری که از قبل آماده شده بود را باز کرد. شاه نورالهدی را در آن قرار داده، فاتحه‌ای خواند و برگشت. تمام ردپای اسب نیز از بین رفت، فقط به یک سنگ نشانی باقی ماند که تاکنون نیز وجود دارد و مردم به زیارت آن می‌روند. زیرا (به نظر آن‌ها) او خود حضرت علی علیه السلام بوده است. (قادری، ۱۳۸۷: ۳۰۵-۳۰۶).

از دیگر دلایل اهمیت این مکان مقدس یا مزارات این بوده است که بر سر شاهراه مهمی واقع شده بود که دارالسلطنه قطب شاهیان را به مناطق مختلف متصل کرده و برای خروج از گلکنده یا ورود به آن کاروان‌ها و لشکریان اولین و آخرین منزل محسوب می‌شد. همچنین از ویژگی‌های این مکان مقدس این بود که سفراء و امرای حاکم بر بلاد مجاور (احمد نگر، بیجاپور، بیدر و دهلی) از راههایی که به شهر حیدرآباد وارد می‌شدند این مکان در پایان مسیر آن‌ها واقع می‌شد. یعنی کسانی که می‌خواستند از آن طرف وارد شهر شوند قبل از اینکه مجبور باشند از کنار این مزارات عبور کنند، اول از عاشورخانه شاهی، محله‌های شاهی، جلوخانه شاهی (چهار کمان کنونی)، مسجد جامع و چهار مینا گذر می‌کردند که به‌خاطر آن رونق زندگی در شهر و عظمت و شکوه آن اثر خوبی از خود به‌جای می‌گذاشت. (قادری، ۱۳۸۷: ۳۰۰).

علاوه بر هموار ساختن و آوردن خاک مقدس کربلا به آنجا، جناب میر کارهای دیگری به جهت این مزارات انجام داد که از جمله عبارت بودند از: ساختن کاروان‌سرا، مسجد، آب‌انبار و حوض. گفته می‌شود در قسمت شمالی این مزارات متبرکه و قبرستان جایی که هم اکنون دروازه بزرگ ورودی و نقاره‌خانه وجود دارد، در هر دو طرف دو کاروان‌سرای بزرگ ساخته شده بود تا کسانی که همراه اموات و یا برای زیارت به آنجا مراجعه می‌کنند، بتوانند در آنجا مانده و مراسم را با خیالی راحت به جا آورند، لیکن امروزه این کاروان‌سراها از بین رفته است. (قادری، ۱۳۸۷: ۳۰۱-۳۰۲).

در کنار و جوانب بارگاه متبرک میر سید محمد مؤمن نیز مقابر بسیاری از بزرگان و مشاهیر علم، ادب، سیاست و سایر طبقات آرمیده‌اند، برخی از این شخصیت‌ها تعدادی نیز از سادات هستند عبارت‌اند از:

میر زین‌العابدین فرزند سید ابوالحسن، میر محمدجعفر استرآبادی، صفی شیرازی، بی‌بی خدیجه، کوبی‌گرچی، فکری اصفهانی، علی گل استرآبادی، فطرت مشهدی، میر میران، الفتی یزدی، شیخ معین‌الدین محمد بلیانی از سادات حسینی (اوحدی)، میر عالم، عمادالسلطنه، حسام الملک (خان خانان)، میر دوران، شهاب جنگ و خانواده مختارالملک. (قادری، ۱۳۸۷: ۳۰۷-۳۱۹).

در دوره‌های اخیر نیز این بارگاه و مزارات با عظمت شاهد دفن برخی از بزرگان معنوی و سادات دکن مانند سید علی‌نقی صاحب قبله، حکیم سید ظهور علی، حکیم سید نثار حسین بوده است. (قادری، ۱۳۸۷: ۳۱۸).

نزدیک به یک سده پیش در دوره زمامداری سلطان العلوم آصف جاه هفتم، این مزارات تغییرات بسیاری دید. به نوشته محی‌الدین قادری، با دیدار سلطان العلوم به سال ۱۳۵۶ ق از آنجا، روزبه‌روز بر نظافت و رونق این بارگاه و مزارات آن افزوده شد چرا که بحث تعمیرات و مسئله نظافت مورد توجه ویژه قرار گرفت. لازم به ذکر است که دایره میر مؤمن (بارگاه و مزارات اطراف آن) در حال حاضر در اختیار وزارت امور مذهبی می‌باشد و شورایی نیز به تصمیم‌گیری در رابطه با آن می‌پردازد. (قادری، ۱۳۸۷: ۳۱۸-۳۱۹).

#### ۴- قاضی سید نورالله حسینی مرعشی شوشتری

از جمله مزارات و بقاع مربوط و متعلق به سلاله نبی مکرم اسلام ﷺ در سرزمین پهناور هندوستان بقعه و مقبره شهید بزرگوار سید قاضی نورالله شوشتری مرعشی است. سید نورالله شوشتری از کسانی است که با شجاعت تمام در هند به دفاع از مواریت معنوی و فرهنگی اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ پرداخت و به شهادت رسید.

مناسبت دارد فرازهایی از زندگی این علوی شجاع و برجسته و مجاهد فی‌سبیل‌الله بازگو شود: یکی از اجداد او که از سادات حسینی شهر آمل بود (سید نجم‌الدین محمود حسینی مرعشی) با حمله تیمور گورکانی به آن شهر، راهی عتبات عالیات گردید و پس از مدتی توقف در آنجا عازم ایران شد و در شهر شوشتر ماندگار گردید. سید نجم‌الدین در آنجا با دختر نقیب السادات ازدواج نمود و پس از آن بسیاری از امور شهر در دست او قرار گرفت و تعداد زیادی از مردم که مذهب شافعی داشتند به جهت راهنمایی‌هایش به مذهب تشیع امامیه گرویدند. (قادری، ۱۳۸۷: ۳۷۹؛ افندی، ۱۳۷۶: ۳۷۹).

پس از درگذشت سید نجم‌الدین و با گذشت زمان برخی از نوادگان او راهی هند شدند، ولی سید نورالله (متولد ۹۵۶ ق) در ایران اقامت و در شهر شیراز به امور علمی و معنوی پرداخت. سید نورالله شوشتری پس از فراگیری آموزش‌ها، در دانش‌های مختلف به نتایجی والا دست‌یافت. به‌جز علوم دینی و عرفان در پزشکی و ادبیات نیز سرآمد بود. به‌جز پدرش (سید شریف بن نورالله) از دیگر استادان او می‌توان از: وحید شوشتری، میر صفی‌الدین محمد صدر، میر جلال‌الدین محمد صدر، عبدالرشید شوشتری و عبدالواحد نام برد (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵: ۳۸۰-۳۸۲).

آنچه در برخی از منابع ذکر شده سال مهاجرت یا ورود شهید قاضی نورالله به هند ۹۹۲ ق بوده است و یکی از علل آن شورش‌های مکرر و تهاجمات پی‌درپی ازبکان به شهر مقدس مشهد بوده است. آنچه به دست می‌آید این که شهید نورالله مدت‌ها نیز در مشهد رضوی به علم‌آموزی و کسب دانش اشتغال داشته است. بدین جهت وی عازم هند و شهر فتحپور گردید و به جهت آشنایی با حکیم ابوالفتح گیلانی به دربار راه یافت و اکبرشاه (پادشاه مقتدر و مؤسس امپراطوری هند) او را به سمت قاضی‌القضاتی لاهور منصوب کرد. زمان انتصاب او بدین کار در سال ۹۹۶ ق بوده است (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵: ۳۸۰-۳۸۲؛ رضوی، ۱۳۷۶: ۵۴۰-۵۴۱).

با توجه به ورود سید به سال ۹۹۳ ق به دارالسلطنه فتحپور، او از هنگام ورود تا انتصاب به مقام قضاوت، مدت سه سال به تدریس و تألیف اشتغال داشت. تدریس او بر اساس مذاهب



پنج‌گانه (جعفری، شافعی، مالکی و حنفی) بود و این تسلط و تبحر علمی او را می‌رساند. قاضی نورالله کتابی را درباره شخصیت و جایگاه امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام نوشت و آن را به جلال‌الدین محمد اکبر تقدیم نمود و اسم آن را نیز جلالیه گذارد که مطالب آن مورد توجه اکبر قرار گرفت (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵: ۳۸۲-۳۸۴).

نفوذ معنوی و شخصیت علمی شهید سید نورالله شوشتری باعث گردید تا او مورد توجه بزرگان امرا و شخصیت‌های دربار اکبر نیز قرار گیرد. چنانچه «اطهر عباس رضوی» از صمیمیت بین سید نورالله با عبدالرحیم خان خانان گزارش داده است. نورالله تألیفی نیز به نام «العشرات الکاملات الخانیه» در باب مسائلی دقیق و در دانش‌های مختلف به نام او نوشته است. این رساله در سال ۹۹۵ ق تألیف گردیده است. دیگر شخصیت‌هایی متنفذ در حکومت مانند حکیم ابوالفتح نیز از دوستان سید شوشتری بودند. اکبر حتی در بعضی موارد و سفرها او را به همراه خود می‌برد. به طوری که در لاهور با استعفای قاضی شیخ معین قاضی‌القضات این شهر، به جای او سید نورالله را به عنوان قاضی‌القضات این شهر بزرگ قرار داد. همچنین در سال ۱۰۰۱ ق پس از غلبه امپراتوری گورکانی بر شمال هند و منطقه کشمیر، چند نفر از جمله قاضی نورالله شوشتری از طرف حکومت به کشمیر اعزام شدند تا به اصلاح مسائل بپردازند. وجود کوتاه‌مدت شوشتری در آن ایالت نیز تأثیر خوبی به‌ویژه بر روحانیون شیعه کشمیر گذارد (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵: ۳۸۲-۳۸۴).

یکی از دیگر اقدامات قاضی نورالله شوشتری که نقش بسزایی در معرفی و قوت تشیع در هند داشت تألیفات و آثار مکتوب وی بود. از جمله آن‌ها نقد و رد بر کتاب «النواقص فی رد علی الروافض» نوشته میرزا مخدوم شریفی بود. تأثیر این ردیه فوق‌العاده بود چرا که میرزا مخدوم در اثر خود تهاجم گسترده و غیرمنصفانه‌ای به شیعه و افکارش نموده بود و اثر قاضی نورالله... سلاح دشمنان تشیع بود.

از دیگر آثار برجسته قاضی نورالله کتاب معروف او «مجالس المؤمنین» است. تألیف این اثر پر مطلب، دوازده سال به طول انجامید (۹۹۸ - ۱۰۱۰ ق) سید نورالله در این اثر به بیان احوال و آثار بزرگانی از علما و شخصیت‌ها پرداخته که برخی شیعه بوده‌اند ولی به واسطه اختناق و فشار تقیه نموده‌اند. همچنین وی در این اثر تعدادی از عرفا و اهل تصوف را نیز در زمره شیعیان دانسته است. با توجه به مقدمه کتاب مجالس المؤمنین که قاضی نورالله آن را نوشته است. استنباط می‌شود که او در تعریف اهل تشیع، معرفی عام را در نظر داشته و تنها به شیعه اثنی‌عشری نپرداخته است (شوشتری، ۱۳۷۵: ۲۱-۲۳).

قاضی سید نورالله شوشتری در سال هزار و چهارده هجری قمری کتاب «احقاق الحق» را در رد کتاب «ابطال نهج الباطل و اهمال کشف العاطل» فضل‌الله روزبهان خنجی نوشت مؤلف ابطال به خواجه مولانای اصفهانی نیز شهرت داشته است و کتاب ابطال نهج الباطل را در رد کتاب نهج الحق و کشف الصدق علامه حلی نگاشته بود. (رضوی، ۱۳۷۶: ۵۷۰-۵۷۱).

اقدامات متهورانه و شجاعانه قاضی سید نورالله شوشتری در هند، آن هم در دربار و مرکز حکومتی باعث اعتراضات بسیاری از مخالفانش شد به‌ویژه این که برخی از دوستان و حامیانش مانند حکیم ابوالفتح و یا شیخ ابوالفضل از دنیا رفته و در کنار او نبودند.

با روی کار آمدن شاهزاده سلیم (جهانگیر) و نفوذی که علمای سنت در او داشتند زمینه مخالفت و طرد قاضی نورالله فراهم شد چرا که جهانگیر تحت تأثیر افکار و القائات آنان قرار داشت. مدتی نیز قاضی نورالله پس از وفات اکبرشاه هنوز در سمت قاضی‌القضاتی لاهور بود ولی رفته‌رفته زمینه برکناری و شهادت او فراهم شد به‌گونه‌ای که مخالفان او نوشته‌هایش درباره خلفای ثلاث را برای جهانگیر قرائت می‌نمودند و کتاب «احقاق الحق» وی را سندی در این باره قلمداد می‌کردند. از سوئی نیز عوامل داخلی و خارجی حامی قاضی نورالله تضعیف شده بودند که از عوامل داخلی و خارجی می‌توان به انقراض حاکمان یا سلاطین شیعه دکن و نیز ضعف تدریجی صفویان در ایران اشاره نمود (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵: ۳۸۷).

با توجه به این‌گونه مسائل جناب قاضی را مؤاخذه و محکوم به مرگ نمودند و در تاریخ ۱۸ جمادی‌الثانی سال ۱۰۱۹ ق با شلاق خردار آن‌گونه او را ضرب و جرح نمودند که به شهادت رسید و به شهید ثالث موسوم گردید.

شهادت مظلومانه این سید عالی‌قدر که در دفاع از مظلومیت و حقانیت اجداد طاهرینش قدم به میدان گذارده بود و در این راستا (صراحت در حق‌گویی) تقیه نمی‌کرد بسیار تأثرآور بود. ندامت جهانگیر از این عمل را کتاب «مجالس جهانگیری» این‌گونه آورده است: ساعتی از شب گذشته خان اعظم را خطاب کرده فرمودند که خان اعظم از این که قاضی نورالله به جزای عمل خود گرفتار گردید، عوام ما را سنی متعصب و غلیظ انگاشته باشند. خدای تعالی همه بندگان خود را از بیماری تعصب محفوظ دارد! (لاهوری، ۱۳۸۵: ۸۷).

قاضی فرزندان فاضلی داشته است که برخی از شاگردان وی نیز قلمداد شده‌اند از جمله: سید محمد یوسف، میر علاء الملک مرعشی شوشتری، ابوالعالی بن نورالله شوشتری و سید شریف بن نورالله حسین مرعشی (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵: ۳۹۴-۳۹۶).

آثار بسیار قلمی سید شهید قاضی نورالله شوشتری متنوع و زیاد است. به جز برخی که بدان اشاره گردید، حدود یک‌صد کتاب و رساله از او ذکر شده است که برخی نیز حاشیه بر آثار علمای گذشته است (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵: ۳۹۶-۳۹۹).

در شهر تاریخی آگره (آگرا) که بسیاری آثار و بناهای دوران شکوه سلسله تیموریان هند (گورکانیان) مانند تاج‌محل، قلعه بزرگ سلطنتی و مقابر اکبر و اعتمادالدوله واقع شده است. در منطقه‌ای پر از ازدحام و شلوغی که محل استقرار بازارها و مکان‌های خرید و فروش و تجاری می‌باشد مقبره شهید قاضی نورالله شوشتری قرار دارد.

در خیابانی که اطراف و اکناف آن مغازه‌هایی که برخی به فروش اقلام مختلف از جمله پوشاک اختصاص یافته است سر دربی به سبک بناهای دوره گورکانی (بابری) آگرا بنا شده است که قدمت آن نیز باید متعلق به همان دوران و پس از شهادت قاضی نورالله باشد. ارتفاع این سر در ورودی آن بلند و مصالح آن با سنگ‌های سرخ است. گلدسته‌های مناره مانند آن نیز در جنبین همدیگر واقع شده‌اند. و دربی فلزی که زائران و نمازگزاران از آنجا داخل و خارج می‌شوند نصب شده است. به جز کنیبه، تابلوهایی که معرف مزار می‌باشد نیز در آنجا وجود دارد از جمله تابلویی که بر روی آن نوشته شده است: مزار شهید ثالث. طرح داخل این ورودی نیز مثل خارج آن از



سنگ‌های سرخ است که دارای کتیبه‌هایی محدود بر زمینه سفید نیز می‌باشد و معمولاً معرف مدفن قاضی در آنجا است.

پس از وارد شدن به محوطه‌های بزرگ می‌رسیم که در آنجا مقابر بسیاری بوده است که امروزه برخی از آن‌ها وجود دارد و بعضی نیز که در گذشته موجود بوده تدریجاً از بین رفته است. بر روی مقابر موجود در این صحن احجار یا مقابر به زبان‌های فارسی و اردو و حتی در این اواخر به انگلیسی نیز نوشته شده است. در سال‌های اخیر نیز اثری در باب سنگ‌نوشته‌های این مزارات و کتیبه‌های مجموعه سید ضامن علی رضوی (مقبره خانوادگی، عزاخانه و کتابخانه) شهر آگره (آگرا) منتشر شده است که به سال ۱۳۸۵ شمسی باهمت فاضل ارجمند آقای سید صادق حسینی اشکوری (مؤسسه نشر مجمع ذخائر اسلامی قم) تهیه و تنظیم شده است و محققان و علاقه‌مندان می‌توانند از آن بهره‌جویند.

بخشی از این فضای بزرگ مزارات، اختصاص به بارگاه یا زیارتگاه مرقد جناب شهید سید نورالله شوشتری است. این بنا دارای ایوانی با چندین ستون می‌باشد. نمای بیرونی آن دارای دو مناره و گنبدی نه‌چندان بزرگ است که با رنگ سبز نه‌چندان سیری مزین گردیده است. در داخل این بارگاه ساده، فضایی مختصر و با حجاری و تزیینات سنگی به صورت مشبک و ستون‌هایی کوچک قرار دارد که مزار شهید شوشتری در آن واقع شده است. امروزه هم این مکان مورد توجه خاص و عام است به‌ویژه مسلمانان شهر آگرا و یا سیاحان و مسافرانی که از نقاط مختلف از جمله ایران به هند سفر می‌کنند.

نگارنده این سطور نیز در مقاله‌ای به سفر آگرا و زیارت مرقد شریف این دانشمند شهید اشاره داشته‌ام، به‌طوری که در سفر اسفندماه ۱۳۹۱ شمسی در این شهر، در زیارتگاه قاضی شهید، حضور یافته و از فضای معنوی و روحانی آن بهره‌بردیم.

۱- ورود اسلام در همان دهه‌های نخستین سده اول هجری به مناطقی از شبه‌قاره هند، در طی مراحل متعدد باعث گردید تا گروه‌هایی از قبایل و دستجات اعراب مسلمان به‌ویژه تعدادی از علویان و سادات، نوادگان و اعقاب رسول خدا ﷺ و امام امیرالمؤمنین ﷺ نیز راهی این سرزمین گردند.

۲- در این مهاجرت‌ها، برخی از گروه‌ها از جمله تعدادی از آل ابی‌طالب ﷺ به جهت فشارهای بنی‌امیه و سپس بنی‌عباس راهی مناطقی از هند از جمله سند گردیدند، اگرچه در این ایالات و مناطق نیز از مخاطرات و تهدیدها مصون نماندند، لیکن با یافتن جایگاهی معنوی و مردمی به رونق اسلام و تشیع در آن سرزمین‌ها کمکی شایان نمودند.

۳- شخصیت‌هایی از سادات و آل علی ﷺ حتی پس از وفات یا شهادت نیز مورد تکریم مردم این مناطق بودند به‌طوری که هم اکنون مزارات و یا بقاع آنان مورد زیارت خاص و عام بوده و رونق معنوی زیارتگاه آنان فوق‌العاده است.

۴- در بین شخصیت‌های مهاجر به هند از سلاله ائمه اطهار (چهره‌های شاخص، در ادوار متعدد دیده می‌شود که برخی منشأ اقدامات بزرگ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و حتی اقتصادی نیز بوده‌اند که بررسی زندگی و ابعاد شخصیتی آنان مؤید این مسئله می‌باشد.

۵- در این پژوهش تنها به سه مورد از این چهره‌های مؤثر و زیارتگاه‌های آنان اشاره شده است. این شخصیت‌ها که برخی در زمره عرفای بزرگ و یا سیاستمدارانی دین‌دار و مروج تشیع و اعظام علماء بوده‌اند هرکدام تأثیراتی شایان و قابل‌اعتنا در زمان خود داشته که امروزه نیز با وجود گذشت زمان این تأثیرات معلوم، مشهود و قابل توجه است.

۶- عارف بزرگ و زاهد وارسته، سلطان المشایخ سید نظام‌الدین اولیاء که از سادات نقوی و فرزندان امام دهم شیعیان است، امروزه پس از قرن‌ها هنوز نیز تربت او مورد توجه مردم هند از جمله ساکنان شهر دهلی می‌باشد به‌طوری که نه تنها شیعه و سنی بلکه پیروان سایر ادیان، فرق و مذاهب هم با عشق تمام به زیارت بارگاه او می‌روند.

۷- از دیگر اولیایی که نقش برجسته او در سده‌های میانی اسلامی در شبه‌قاره و به‌ویژه جنوب (دکن) بسیار مؤثر بوده است یکی دیگر از سادات به نام سید میرمحمد مؤمن استرآبادی است. وی نه تنها به‌عنوان یک‌عالم مبرز و صاحب تألیفات و کرسی تدریس بلکه سیاستمداری قابل طراحی بزرگ منشأ اقدامات و اموری در عمران و آبادانی گردید که از جمله آن ایجاد شهر حیدرآباد در جنوب هند بوده است که امروزه نیز آثاری فاخر از اقدامات او برجای می‌باشد. زیارتگاه میر مؤمن (دایره) نیز از جمله مزارات و فضاهای معنوی شبه‌قاره است که به‌جز او (میر مؤمن) که بانی و مؤسس آن مکان بوده، بسیاری دیگر از افراد برجسته و بزرگان معنوی و فرهنگی در آنجا آرمیده‌اند. این زیارتگاه به‌خصوص فضای مقبره میرمحمد مؤمن نیز همواره مورد توجه بوده و می‌باشد.

۸- سلسله تیموریان (گورکانیان) نقش مهمی در یکپارچگی و تمامیت ایالات هند و ایجاد

امپراطوری بزرگ هند (بابری) داشت و بزرگ‌ترین اقتدار آن در عصر سلطنت اکبرشاه حاصل گردید. نقش برجسته سید نورالله حسینی مرعشی (شوشتری) در اشاعه شیعه امامیه در عصر شکوه (دوران اکبر) و جلب‌توجه این پادشاه از ناحیه این عالم توانمند (قاضی نورالله) فوق‌العاده بوده است. اگرچه پس از دوره اکبر و با شروع سلطنت جهانگیر (شاه سلیم) این موضوع رو به افول نهاد، اما شجاعت قاضی نورالله همواره در ذهن تاریخ خواهد ماند. شهادت شوشتری پس از آن همه فعالیت‌های او نشان مظلومیت این عالم فرزانه در راه اهداف اجداد طاهرینش می‌باشد. امروزه مزار قاضی سید نورالله به‌عنوان یکی از زیارتگاه‌های مهم موردتوجه بسیاری از مردمان شبه‌قاره هند از جمله ساکنان شهر تاریخی آگرا (آگره) می‌باشد.



فصل نامه  
علمی  
مطالعات  
بِقاع و  
امکان  
متبرکه

## کتاب‌نامه

۱. اصفهانی، میرزا عبدالله افندی (۱۳۷۶). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*. ترجمه محمدباقر ساعدی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲. آرنولد، سرتوماس (۱۳۵۷). *علل گسترش اسلام*. ترجمه حبیب الله آشوری. تهران: انتشارات سلمان.
۳. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷). *فتوح البلدان*. ترجمه محمد توکل. تهران: نقره.
۴. بهبهانی، آقا احمد (۱۳۷۲). *مرات الاحوال جهان نما*. تحقیق علی دوانی. تهران: مرکز فرهنگی قبله.
۵. جلالی، غلامرضا (۱۳۹۹). *مکتب‌های عرفانی حوزه‌های علمیه شیعه در هند و پاکستان*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. خواند میر (۱۳۶۲). *حبیب السیر*. تهران: کتابفروشی خیام.
۷. خورشیدی، فرزه سادات؛ جمالی، محمد (۱۳۹۴). *ارج نامه استاد حسن عاطفی*. کاشان: تماشا.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۹۰). «میر محمد مؤمن استرآبادی، مروج تشیع در جنوب هند». *نامه پارسی*. سال پنجم. شماره ۳.
۱۰. رازی، امین محمد (۱۳۸۷). *تذکره هفت اقلیم*. تهران: سروش.
۱۱. رضوی، اطهر عباس (۱۳۷۶). *شیعه در هند*. قم: واحد ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
۱۲. ریاحی، محمدحسین (۱۴۰۰). *تاریخ نگاری محلی اسلامی - ایرانی در شبه‌قاره هند*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. سراج، من‌هاج الدین عثمان (۱۳۴۲). *طبقات ناصری*. تصحیح عبدالحی حبیبی. کابل: انجمن تاریخ افغانستان.
۱۴. شمس‌الدین محمد بن عبدالله (۱۳۳۸). *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۵. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۵). *مجالس المؤمنین*. تهران: نشر کتابفروشی اسلامیة.
۱۶. علوی، محمود صادقی (۱۳۹۶). *تاریخ اسلام در شبه‌قاره هند (از ورود مسلمانان تا پایان حکومت گورکانیان)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. قادری، سید محی الدین (۱۳۸۷). *میر محمد مؤمن استرآبادی (مروج تشیع در جنوب هند)*. ترجمه عون علی جاوری. قم: نشر مورخ.
۱۸. قانع تقوی، میر علی شیر (۱۹۷۱ م). *تحفه الکرام*. حیدرآباد: سند.
۱۹. کرمی، مجتبی (۱۳۷۳). *نگاهی به تاریخ حیدرآباد دکن*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۲۰. کوفی، علی بن حامد (۱۳۸۴). *فتحنامه سند (معروف به چچ نامه)*. تصحیح داود پوته. تهران:

انتشارات اساطیر.

۲۱. لاهوری، عبدالستار بن قاسم (۱۳۸۵). *مجالس جهانگیری*. تصحیح عارف نوشاهی. تهران: میراث مکتوب.
۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳ م). *بحارالانوار*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). *خدمات متقابل اسلام و ایران*. تهران: نشر صدرا.
۲۴. منشی، اسکندر بیک (۱۳۳۴). *تاریخ عالم آرای عباسی*. باهتمام ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
۲۵. موحدی، محمدرضا (۱۳۹۰). *اسلام در هند*. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۲۶. نجاتی حسینی، راضیه (۱۳۹۵). *نقش علمای شیعه در گسترش تشیع در هند (از جمله مغول تا پایان دوره صفویه)*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۷. نصیری، محمدرضا (۱۳۹۵). *دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره*. ج چهارم (سپنتا - شبه‌قاره). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۲۸. هالیستر، جان نورمن (۱۳۷۳). *تشیع در هند*. ترجمه آزمیدخت مشایخ فریدنی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۹. هندوشاه استرآبادی، محمد قاسم (۱۳۸۸). *تاریخ فرشته (از بابر تا عادل شاهیان)*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳۰. یاری، سیاوش (۱۳۸۸). *تاریخ اسلام در هند*. قم: ادیان.
۳۱. یاری، سیاوش؛ خدادادی، لیلا (۱۴۰۱). *سادات در هند*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



فصل نامه  
علمی  
مطالعات  
بِقاع و  
امکان  
متبرکه